

تعلیمات دینی

ویژه دانش آموزان زرتشتی

برای سال سوم دبستانها

بخش دوم

برابر برنامه وزارت آموزش و پرورش

نگارش : موبد رستم شهزادی

ازانتشارات : انجمن زرتشتیان تهران

چاپ دوم





تعلیمات دینی

ویژه دانش آموزان زرتشتی

برای سال سوم دبستانها

بخش دوم



برابر برنامه وزارت آموزش و پرورش

نگارش : موبد رستم شهزادی

از انتشارات : انجمن زرتشتیان تهران

چاپ دوم

بنام خداوند بخشنده مهربان

درس اول

اصول دین زرتشتی

پایه و بنیاد دین زرتشتی بر یکتاپرستی - اشوئی و هویت
و هوخت و هورشت استوار است

یکتاپرستی - زرتشتیان یکتاپرست هستند یعنی
خداوند یکتارا پرستش کرده او را سر آغاز و سرانجام همه
آفریدگان میدانند و برای او همانند و شریکی قائل نیستند
اشوئی - اشوئی یعنی پارسائی (۱) یا پاکی و راستی.
دراوستا بکسی گفته میشود که ظاهر و باطن یا برون و
درونش پاک و بی آلاش باشد

پاکی برون - پاکی برون بآرش (۲) اینکه مردم
باید تن و جامه و خوراک و منزل و ده و شهر و سایر چیزها را
همیشه پاک و تمیز نگهدارند. اشو زرتشت فرموده است

۱- پارسائی = برهیزکاری ۲- آرش = معنی

شخص زرتشتی باید چهار آخشیک (۱) را که آب و آتش و هوا و زمین باشد هرگز کثیف و آلوده نکند - در آب روان تن و جامه نشوید - پایدی و نسا (۲) در آب و آتش نیاندازد زمین و فضای اطراف خانه و ده و شهر را از هر گونه چیزهای ناپاک و کثیف دور دارد و هوایی که در آن تنفس میکند باید پیوسته تازه و پاک باشد تا همیشه تندرست و توانا و خردمند زیسته خوشبخت و سعادتمند گردد.

پاکی درون - پاکی درون یا روان عبارت از پیروی راه راستی و درستی و پیکار بابدی و نادرستی و بازداشتن خویش است از اندیشه و کارهای اهریمنی (۳)

هومت و هوخت و هورشت - بآرش پندار نیک گفتار نیک و کردار نیک است در اوستا آمده: کسی که اندیشه و گفتار و کردارش درست و خوب باشد روانش (۴) شاد و رستگار بوده پس از مرگ بهشت خواهد رسید و کسی که پیر و دشت و دژ و هخت و

۱- آخشیک = عنصر

۲- نسا = چیزهای ناپاک ۵- اهریمن = شیطان

۴- روان = روح

دژورشت باشد یعنی بداندیشی و بدگفتاری و بدکرداریرا
پیشه کند درجهان با بدبختی زیسته و پس از مرگ جای او
در دوزخ است

هومنش (۱) هومنش یانیک اندیش کسی را گویند
که خیر و خوبی دیگرانرا خواستار باشد

بد دل و بدنیت نباشد. نسبت بهر کس اندیشه و گمان
بد نبرد. خیرخواه و مهربان باشد حسادت نورزد پاك چشم
باشد از خود پسندی و غرور دوری کند و درزندگی پیوسته
خوش بین و شادمان باشد. اینکه اشوزرتشت پاکی اندیشه را
پیش از پاکی گفتار و کردار قرار داده اینکه اندیشه و فکر
سرچشمه و اصل گفتار و کردار است و کسیکه پندار و فکرش
پاك باشد کردارش هم بخودی خود درست و نیک گشته
درون (۲) و روانش پاك و تابناك خواهد شد.

هوگوش - هوگوش یا خوش گفتار کسی است که
براستی و درستی سخن گوید. شیرین زبان و خوش کلام
باشد - باپر خاش و تنندی صحبت نکند - دهان خود را بدروغ

۱- منش = فکر و اندیشه و پندار ۲- درون = باطن

ودشنام نگشاید سخن چینی نکند - یاوه (۱) نگوید - بیجا
وبی هنگام حرفی نزنند -- پیرامون (۲) قسم و شهادت دروغ
نگردد و پیوسته بکوشد تا آئین سخن گفتن را فرا گیرد
و پیروی کند

هوکنش - هوکنش یا نیکوکار شخصی است که کار
و کردارش درست و نیک باشد . وظایف و تکالیف خود را
بخوبی انجام دهد . در پی آزار و کشتن کسی بر نیاید
حیوانات اهلی و سوده‌ند را اذیت نکند - دزد و کلاهبردار
نباشد - تنبلی و تن‌پروری نکند و دست‌بکاری نزنند که در نزد
پدر و مادر و آموزگار و مردم شرمسار و سرافکنده باشد

درس دوم

زندگی آشوزرتشت

اشوزرتشت در زمان اهراسب شاه کیانی در ایران
پابگیتی نهاد . هنگام تولد آنحضرت ستم و ستیزه و خشم و
زور جهانرا بستوه آورده نیکوکاران دچار بدبختی و زوال

۱- یاوه = سخن بیهوده ۲- پیرامون- اطراف- گرد

و بد کاران و دروغگویان با قدرت زیاد بمردم آزاری و
بیدادگری مشغول بودند. اهورامزدا خدای مهربان برای
راهنمایی مردم ورستگاری جهان اشوزرتشت را بگیتی فرستاد
تا با تعلیم آئین مزدیسنی اندیشه راستی در جهان بگستراند
و پارسائی را بر نادرستی و ناپاکی چیره ساخته صلح و آسایش
زندگانی را برای مردم فراهم سازد

اشو زرتشت - در روز خورداد و فروردینماه در
خانواده اسپنتمان بدنیا آمد و از اینرو آن و خوشور را زرتشت
اسپنتمان نیز میخوانند - پدر اشو زرتشت پوروشسب و مادرش
دغدو نامداشت و نژاد هر دو خانواده بفریدون پور آتین
میرسید .

اشو زرتشت در تمام دوره زندگی از دست بد کاران
رنج و سختی بسیار کشید و حتی چندین بار در پی کشتنش
بر آمدند ولی از آنجائی که آ نوخسور پیوسته طرفدار راستی
و درستی بود و مردم را بخداپرستی و نیکوکاری راهنمایی
میفرمود اهورامزدا چنان او را یاری فرمود که نه تنها از

دست دشمنان خود آزاری ندید بلکه آنانرا زبون (۱) و ناتوان ساخته بسیار ابراهیم بدین خویش در آورد.

اشو زرتشت در سختی و تنگی صبور و بردبار بود و هرگز زبان بناسپاسی نمی گشود. در برابر بد اندیشان و بد کرداران تسلیم نمیشد و همیشه با کمال شجاعت آنانرا از کردار زشت منع میفرمود. گفتار آنحضرت شیرین و دلپذیر و از سرچشمه قدرت پروردگار نیرو می گرفت. آنوخشور پیوسته در پی حقیقت بود و میکوشید تادیگران نیز باندیشه روشن و ایمان درست در پی درك حقیقت بر آیند و راست را از نادرست تمیز دهند (۲) اشو زرتشت دروغ را بدترین دشمن مردم دانسته میفرماید: هیچیک از شما نباید بسخنان و حکم دروغ پرست گوش دهد زیرا او خانمان و شهر و ده را دچار احتیاج و فساد میسازد. بآن کسی باید گوش داد که از راستی برخوردار است. بآن دانائی باید گوش داد که درمان بخش زندگانی باشد (۳)

۱- زبون = یست و حقیر ۲- یسنا ۳۰- ۲

۳- یسنا ۳۱ : ۱۹ - ۱۷

آنحضرت نه فقط نسبت بانسان دلسوز ومهربان بود بلکه حیوانات اهلی وسودمند را نیز دوست میداشت وبآنها مهربانی میکرد - هرگز آنانرا نمی آزد .

مذهبی که مردمان آنزمان پیروی میکردند مذهب دیوپرستی بود و برای خدایان خود که دیو نامیده میشدند چهار پایان بسیاری قربانی میکردند - آنحضرت پرستش دیوها را منع فرمود و مردم را بیکتاپرستی دعوت کرده وقربانی چهارپایانرا برای پروردگار کاری ناروا و عملی زشت و ناشایست دانست (۱)

اشوزرتشت درسن چهل سالگی هنگامیکه دعوی پیغمبری نمود شاه گشتاسب کیانی درمشرق ایران پادشاهی میکرد - آنحضرت پس از سالهای بسیار که درشهرهای ایران برای راهنمایی مردم بکیش خداپرستی مسافرت میکرد چون بشهر باخ پایتخت شاه گشتاسب رسید آن پادشاه را نیز بدین خویش دعوت فرمود - شاه گشتاسب دانایان و بخردان کشور را برای مباحثه با آنحضرت وا داشت و

پس از اینکه کیش زرتشت را بر حق دانست آنرا پذیرفت
 پس از شاه گشتاسب پسرانش پشوتن و اسفندیار و بانویش
 کتایون و وزیرش جاماسب نیز بکیش زرتشتی درآمدند و
 در آنده زمانی آئین مزدایرستی در ایران و توران و قسمتی
 از هندوستان و بسیاری از کشورهای دنیای آ نروز گسترده شد
 در گذشت اشو زرتشت - اشو زرتشت در روز خیر ایزد و
 دیماه در سن هفتاد و هفت سالگی هنگامیکه لشکر ارجاسب
 تورانی بسر کردگی تور براتور ببلخ حمله کرده و پس از جنگ
 سختی آن شهر را گشتود باجمعی از موبدان دیگر بدست
 تور براتور شربت شهادت نوشید .

درس سوم

گفتار اوشتا

۱ - خشنوتره اهورهه مزدا - خشنود میگردانم

اهورامزدارا (بخشنودی اهورامزدا)

۲ - اشم و هو و هیستم استی - اشوئی بهترین خوبیهاست

اشتا استی اشتا اهماه - (اشوئی) خوشبختی است و خوشبختی

از آن کسی است

هیداشافه و هیشتائه اشم - که بهترین اشوئی را خواستار است

۳- اشتا اهمافه یه مائه اشتا کهما نچید (یسنا ۴۳ - ۱)

خوشبختی از آن کسی است که خوشبختی دیگران را خواستار باشد

۴- ایوو پنتایو اشمه - راه (در جهان) یکی است و آن

راه اشوئیت

درس چهارم

زیان تنبلی و فایده کار و کوشش - کار و کوشش سبب

پیشرفت و خوشبختی هر شخص است کسیکه بکاری نیک

مشغول باشد و نیروی تن و اندیشه خود را در راه انجام وظیفه

بکار گمارد پیوسته خوشحال و تندرست و گرامی خواهد

زیست شخص کاهل نزد همه کس خوار و بیمه دار است

چنین کسی نه تنها از انجام کارهای نیک و خدمت بمردم

ناتوان است بلکه از عهده تهیه خوراک و لباس خود نیز بر

نیامده ناچار است دست گدائی نزد این و آن دراز کرده

آبروی خود را بلقمه نانی بفروشد - اوستا پیوسته مردم را

بسحر خیزی و کار و کوشش واداشته میفرماید : ای مردم
سحر گاهان ببانك خروس از خواب برخیزید و باخواندن
نماز اشم و هوو بهترین راستی و درستی را بستائید دیو کاهلی
را از خود دور ساخته نگذارید شما را در این وقت کار
بخواب فرو برد .

درویسپرد آمده است : ای زرتشتی دست و پا و هوش
و خرد خود را برای انجام وظایف نسبت بدیگران پیوسته
مهیادار و از هر کار بیجا و بی هنگام خود داری نما ، همواره
در انجام کار نيك و دستگیری بیچارگان و بینوایان
کوشا باش (۱)

کتاب مینو خرد پهلوی ما را چنین اندرز میفرماید :
کاهلی را از خود دور سازید و گرنه او شما را از انجام کار
های نيك باز خواهد داشت (۲)

اشو زرتشت ما را بکار و کوشش و زراعت و آبادانی
زمین که سبب ترقی و خوشبختی و تندرستی مردم است

۱- ویسپرد کرده ۱۵ فقره يك

۲- مینو خرد پرسش ۱ فقره ۲۹

دعوت فرموده و از بیکاری و گوشه نشینی و کاهلی و گدائی که نتیجه اش ناتوانی و سستی و بیچارگی است بازداشته کشاورزی در کیش زرتشتی از کارهای بسیار پسندیده بوده و اوستا کشتن دانه را در زمین با انجام کارهای اشوئی و عبادت برابر میدانند چنانچه میفرماید : کسیکه دانه و بذر میپاشد اشوئی میکارد و در ترویج آئین مزدا میکوشد پاداش چنین کسی با صد دعا وستایش یکسان و از هزار بار ادای مراسم مذهبی نیکوتر است .

در جای دیگر اوستا میفرماید : ای کسیکه زراعت نمی کنی و در پی کار و کوشش نیستی یقین بدان که بزودی بر در بیگانگان بگدائی خواهی ایستاد و از این و آن خوراک خواهی خواست و محتاج باز مانده غذای دیگران خواهی شد

وفای به عهد

شخص هر عهدی که می بندد و یا قولی که میدهد نباید آنرا بشکند بلکه باید با کمال راستی و درستی آنرا بانجام رساند . کسیکه بعهد و پیمان خود وفا نکند در زمزه

پیمان شکن بشمار است پیمان شکنی که در اوستا آنرا
 مهر درج نامیده است از کارهای بسیار ناپسندیده است
 در مهریشت میفرماید « هر که دروغ گوید یا پیمان
 شکند کشور خود را ویران کند چنین کسی کشته راسی
 باشد و پاکدینی را بر اندازد کسیکه با یک نفر عهده بست
 نباید آنرا بشکند خواه آن عهد با خویش یا بیگانه باشد
 زیرا عهد با هر که بسته شد درست و سزاوار احترام است »
 ایرانیان باستان پیمان شکنی و بد قولی را یکی از گناهان
 بزرگ میشمردند و عقیده داشتند که فرشته مهر از مکانیکه
 منزل شخص پیمان شکن است با نفرت روی میگرداند و
 چنین منزل وحشت انگیز سرانجام ویران گردد و از انسان
 تهی ماند (۱)

آرد بادمار اسپند در اندرز نامه خود میفرماید : هرگز
 مهر درجی (پیمان شکنی) نکنید تا پستی بروانتان نرسد .
 یکی از تاریخ نویسان قدیم می نویسد که ایرانیان پارتی
 (اشکانیان) قاعده ای دارند که در موقع بستن پیمان بیکدیگر

دست میدهند و چون دست داده شد دیگر هرگز برخلاف
آن رفتار نمیکنند و تا پای جان بحفظ آن پیمان میکوشند (۱)
معاشرت با هم نشین خوب و دوری از هم نشین بد
میگویند اگر میخواهی کسی را بشناسی بین رفیقش
کیست هر کس با مردم بدنام و بدکردار دوستی کند خود را
بدنامی و بدکرداری معروف میسازد. شخص باید در
انتخاب دوست و همنشین خود بسیار دقت کند.
آذرباد میفرماید با نادان و گمراه همراه مشوید با
مردم تند خو و خشمگین دوستی نکنید. بامست همراه
و همخورش مشوید با پاک چشم و کار آگاه و زیرک و نیک
خوی معاشرت کنید چون با انجمنی در آئید نزد بد نام
منشینید تا بدنام بشمار در نیائید

سخن چینی

سخن چین کسی است که صحبت و سخنان شخصی
ا طوری نزد دیگری باز گوید که میان آن دو کدورت

افتد و دشمنی پدید آید چنین کسی در مذهب زرتشتی از
جمله گناهکاران شمرده شده سزاوار دوستی و همنشینی
نیست و خود و دیگران را همیشه خوار و بیمه‌دار گرداند

پایان



